

یاد گرفتن زبان انگلیسی مدت‌هاست که بین همه رواج دارد. سالیان سال است که همه به ضرورت یاد گرفتن انگلیسی پی برده‌اند؛ طی سال‌های اخیر که بچه‌های کوچک هم آموزش داده می‌شوند تا مثل بلبل بتوانند انگلیسی صحبت کنند، حالا دوسه سالی است که اوضاع دچار تغییر و تحول شده.
بیشتر آنهایی که در کودکی‌شان انگلیسی یاد گرفته‌اند جدیداً سراغ یادگیری زبان‌های دیگری هم رفته‌اند. فرانسوی، اسپانیایی، آلمانی، روسی و ایتالیایی جزء زبان‌های پرطرفدار شده‌اند. پدیده این هفته به سراغ این زبان‌ها می‌رود.

انگلیسی زبان‌ها



شاید قطعی شدن ضرورت یاد گرفتن انگلیسی با قرار گرفتن این درس بین دروس مدارس اتفاق افتاد. بچه‌ها هم باید مثل بزرگ‌ترها بتوانند به انگلیسی حرف بزنند. همین طور که یادگیری این زبان رواج پیدا می‌کرد، انواع و اقسام مؤسسات با انواع و اقسام سیستم‌ها و کتاب‌های آموزشی هم آمدند تا مبداا کسی عقب بماند. یکی موسسه اینتر چینج کار کرد و دیگری اسپکتروم. قیمت‌ها هم متفاوت بود. بعضی از مؤسسات مدارک معتبری ارائه نمی‌دادند، اما می‌شد در آنها انگلیسی یاد گرفت و حتی در بین‌شان استاد خیلی خوب اما تازه‌کار هم پیدا می‌شد. اما بودند مؤسسات دیگری که هم مدرک معتبری ارائه می‌دادند، هم پول خوبی می‌گرفتند. همه چیز به هدف زبان‌آموز مربوط می‌شد.

فرانسه‌زبان‌ها و سایر قضایا

خیلی ها ارادات خاصی نسبت به زبان فرانسوی دارند. از قدیم‌الایام هم دانستن فرانسوی جزء افتخارات بوده است. یکی از دلایل این ارادت خاص،

سخت بودن یادگیری این زبان است. در گذشته کسانی که فرانسه می‌دانست‌اند افراد تحصیلکرده، روشنفکر و بعضاً به اصطلاح آن موقع‌ها «فرنگ‌رفته» بوده‌اند. علم نوین آن زمان در اختیار کشورهای اروپایی بوده است. برای گرفتن الگو از تاریخ فرانسه، اتفاقی مثل انقلاب فرانسه، بهره‌گیری از ادبیات این کشور و علم نوین، آنهایی که نسبت به سایر اقشار جامعه در سطح بالاتری قرار داشتند سراغ یاد گرفتن زبان فرانسوی می‌رفتند.

دلیل دیگر برمی‌گردد به مساله‌ای که هنوز هم در بین قشری از جامعه ما رواج دارد. ایرانی‌ها بعضاً دوست داشته‌اند به نوعی خود را به فرهنگ خارج از کشور ربط بدهند. به اصطلاح آموزشی‌اش کلاس گذاشتن به وسیله نشان دادن یا داشتن نمادها و نشانه‌هایی از کشورهای اروپایی. دانستن زبان فرانسه در آن روزها برای خودش پرستیژ و برو و بیایی داشته. اما این روزها دلیل یاد گرفتن این زبان با گذشته‌ها فرق کرده. البته نمی‌توان گفت دیگر کسی به خاطر داشتن پرستیژ به دنبال یادگیری این زبان نمی‌رود. اما دلایل دیگری هم وجود دارد.

حال و هوای زبان‌های خارجی غیر از انگلیسی

وقتی جوگیر فرانسه می‌شویم

از زمانی که دیستانی بودم، زبان انگلیسی می‌خواندم و از همان موقع یادم هست که پیشرفت قابل توجهی نداشتم. علاقه‌ای هم به این زبان نداشتم چون می‌دیدم که اصلاً جلو نمی‌روم. دیگر زبان انگلیسی خواندن را رها کردم و به خاطر همین، توی مدرسه در درس زبان مشکل داشتم. توی کنکور هم زبان معمولی بود یعنی چون کلاس رفتم برای کنکور بهتر شد. اما بعد از سال دوم دانشگاه، شرایطی پیش آمد که مجبور شدم بروم سراغ زبان فرانسه. هرچند خیلی برایم وحشتناک‌تر از انگلیسی به نظر می‌رسید ولی مجبور بودم بخوانم چون احتمال مهاجرت برایم وجود داشت. خلاصه فرانسه را شروع کردم ولی اصلاً برایم مثل انگلیسی نبود.



تارا ذکایی

اگر کمبود افرادی که می‌توانستند این زبان را آموزش بدهند و در دسترس نبودن‌شان به نوعی یادگیری این زبان را محدود کرده بود، این روزها وجود افراد متعدد مسلط به این زبان و مؤسسات معتبر با انواع امکانات آموزشی روز، به روز زبان‌آموزان بیشتری را به خودشان جذب می‌کنند. دلیل دیگری که افراد را به سمت یادگیری زبان فرانسوی می‌برد وجود تلفظ‌های زیبای این زبان است. خیلی‌ها شیفته این زبان شده‌اند و تنها دلیل یادگیری‌شان همین زیبایی است.

نوستالژی سی سینپور
سی سینپورا جالب بود که بعضی از این جملات اسپانیولی در دوبله فیلم‌ها همین طور می‌مانند. همین هم شد که آهنگین بودنش در ذهن خیلی‌ها ماند و این زبان یادآور فرهنگ شاد و موزیکال فیلم‌ها شد. اسپانیولی جزء زبان‌هایی است که اکثر افراد می‌گویند می‌شود سریع آن را یاد گرفت. سرعت در یادگیری یکی از دلایل استقبال از این زبان است. دلیل دیگر به خاطر آهنگین بودنش است. این دو ویژگی یادگیری این زبان را برای بسیاری از افراد به گزینه‌ای مناسب به عنوان زبان سوم تبدیل کرده است.

خوبی زبان‌هایی مثل فرانسوی و اسپانیایی این است که افرادی که زبان انگلیسی بلدند، می‌توانند با این زبان‌ها هم به خوبی ارتباط برقرار کنند و هم راحت‌تر از سایرین این زبان‌ها را یاد بگیرند. بسیاری از کلمات فرانسوی و اسپانیایی تنها از لحاظ تلفظ با زبان انگلیسی متفاوت هستند. مثل نام کتاب آموزش فرانسوی، که رفلس نوشته می‌شود و قفله خوانده می‌شود! بنابراین بیشتر تمرکز روی یادگیری گرامر معطوف می‌شود و شناخت تلفظ آوایی کلمات. کتاب‌های رفلس و «کیف کریم» برای آموزش زبان فرانسوی به کار می‌رود. معمولاً قیمت کلاس‌های آموزش فرانسوی برای ۱۴ جلسه چیزی حدود ۵۵ هزار تومان می‌شود. کتاب سئونا کتابی است که از روی آن اسپانیایی تدریس می‌شود. قیمت کلاس‌های این زبان از ۴۵ هزار تومان برای ۱۲ جلسه شروع می‌شود و با توجه به امکانات مؤسسات و تعداد جلسات و حرفه‌ای بودن اساتید رو به بالا می‌رود.

کتاب‌های خودآموز: خودت پیاموز
کتاب‌ها وسی‌دی‌های انگلیسی به‌وفور در بازار کتاب‌پیمایی‌شوندگلی است س‌ری به خیالان انقلاب‌بزنید!ز کنار اغلب مغازه‌ها که رد‌شوید جملات انگلیسی با ترجمه فارسی‌شان را خواهید شنید هم‌زمان با تب یادگیری زبان سوم، انتشارات مختلف شروع کردند به چاپ کتاب‌هایی که بعضی‌هایشان مورد نیاز زبان‌آموزان است و بعضی‌هایشان هم برخلاف اسم‌شان به

بعد از فراگیر شدن آموزش زبان انگلیسی، نوبت زبان‌های دیگر رسیده

زبان سوم



هیچ دردی نمی‌خورند. انواع و اقسام سی‌دی‌های خودآموز این زبان‌ها هم آمدند تا به تکمیل کتاب‌ها کمک کنند. کافی است وارد بعضی از سایت‌ها یا وبلاگ‌ها شوید تا انواع و اقسام تبلیغات این کتاب‌ها و سی‌دی‌ها را با تحویل رایگان در منزل ببینید. حتی حالا کار به جایی رسیده است که تبلیغات یادگیری این زبان را تضمین هم می‌کنند، آن هم در سه ماه! «در سه ماه مسلط به زبان انگلیسی شوید». یک آگهی جالب دیگر به یادگیری این زبان در خواب اشاره کرده بود!

کتاب‌های سفر هستند. در این کتاب‌ها اثری از آموزش دستور زبان نیست بلکه تمام جملاتی که برای سفر به کشور با زبان مورد نظر لازم است مثل جملات لازم حین خرید، موارد اورژانسی، حین گردش و پرسیدن آدرس و غیره به سه حالت نوشته شده‌اند؛ عبارت فارسی، عبارت زبان خارجی و تلفظ آن جمله به زبان فارسی. خیلی از افراد برای یادگیری سطحی از این کتاب‌ها استفاده کرده‌اند. در مجموع آنهایی که از این کتاب‌ها و سی‌دی‌های کمک‌آموزشی و خودآموز استفاده کرده‌اند می‌گویند پایه‌های هر زبانی به خصوص دستور آن زبان را باید دانست و بعد سراغ این کتاب‌ها رفت. این کتاب‌ها به کار آنهایی می‌آید که به دنبال راه انداختن فوری کارشان هستند.

آلمانی زبان‌ها
می‌گویند زبان خشکی است، خشن است، دستور زبان بسیار سختی دارد، برای هر کلمه‌اش باید اول دانست مونث است یا مذکر. یاد گرفتن همه اینها کلی وقت می‌بر. بعضی‌ها می‌گویند تا زبان‌های آهنگین هستند چرا باید سراغ این

زبان رفت؟

گذشته از علاقه شخصی، یاد گرفتن آلمانی کمی متفاوت با سایر زبان‌هاست. خیلی از زبان‌آموزان این زبان را به خاطر امکان ادامه تحصیل رایگان یاد می‌گیرند. بعضی‌ها هم در حال مهاجرت هستند و باید بتوانند با این زبان زندگی‌شان را راه بیندازند. اکثراً برای یادگیری زبان‌ها، کلاس‌های هر سفارتی در اولویت است، به خصوص برای افرادی که قصد مهاجرت دارند. معمولاً هزینه کلاس‌های سفارت‌ها به نسبت مؤسسات گران‌تر است. اما در مؤسسات، برای یادگیری زبان آلمانی برای نمونه، کلاس‌های ترمیک به صورت هفته‌ای چهار ساعت هزینه‌ای حدود ۶۰ هزار تومان مورد نیاز است. دانشجو باشید و سراغ تخفیف دانشجویی بروید به نفع‌تان است!

تکمیل دوره
کمتر کسی است که تمام دوره‌های زبانی را پشت سر بگذارد. معمولاً این گونه است که افراد سراغ یادگیری زبان مورد نظرشان می‌روند، پایه می‌گیرند و بعد با توجه به هدف‌شان از یادگیری آن زبان تصمیم می‌گیرند که آیا سراغ گرفتن مدرک بروند یا نه. بعضی‌ها بعد از اینکه ساختار جملات را یاد می‌گیرند به جای صرف هزینه کلاس، سراغ کتاب‌های داستان، رمان، آهنگ‌های زبان مورد نظرشان، فیلم‌ها و کتاب‌های تمرین لغت می‌روند. نمی‌شود گفت کدام دسته موفق‌تر می‌شوند.

چیز به پشتکار خود فرد ربط دارد. به **دنیای تمایز من خوش آمدید** آدم‌های این دوره، از خیلی جهات شبیه همدیگر شده‌اند. تبلیغاتی که می‌بینند مثل هم

پیک پیک ۱۵



است. محصولاتی که از روی آن تبلیغات خریداری می‌کنند هم خیلی وقته‌ها شبیه هم است. یک دفعه می‌بینیم پوشیدن فلان مدل لباس بین همه باب شده. پدیده نوبی که یک روز در انحصار یک گروه یا حتی یک شخص بوده و باعث نشان دادن تمایزش از سایرین، حالا مال همه است. حین این همه شباهت، مسلماً تفاوت‌های شخصیتی و فرهنگی هم وجود دارند و هر آدمی ویژگی‌های متفاوت و حتی بی‌ظنری دارد. بعضی‌ها به دلایل مختلف دوست دارند این تمایز را نشان بدهند، اما مساله یادگیری زبان‌های دیگر کمی متفاوت است. دیگر تقریباً همه انگلیسی‌ای بلدند. اگر زمانی دانستنش خیلی عجیب بود، حالا ندانستنش عجیب شده. حالا انواع و اقسام کتاب‌های عروسکی و موزیکال و غیره ساخته شده‌اند تا حتی نوزادان و خردسالان هم با این زبان آشنا باشند.

در دوره و زمانه‌ای که خیلی چیزها شبیه هم شده، آدم‌ها به دنبال راه‌هایی هستند تا تمایز بودن طرز تفکرشان را بقیه را یک جورهایی نشان بدهند. خیلی‌ها با یاد گرفتن زبانی که عده کمتری به آن مسلط هستند، می‌توانند هویت متفاوت خودشان را از بقیه نشان بدهند و به عبارت دیگر یادگیری این زبان‌ها به آنها کمک می‌کند تا وجه تمیزهای با جامعه‌ای داشته باشند که گاهی وقته‌ها آثار شباهتش با زندگی فردی‌شان خسته‌شان می‌کند.

از طرف دیگر می‌توان گفت ممکن است این نوع شباهت‌ها در گذشته نیز وجود داشته، اما رسانه‌هایی به معنای امروزی همگانی نبوده‌اند تا شاهدت‌ها و حتی در مواردی تفاوت‌ها را تا این حد پررنگ کنند. خیلی‌ها از مثل بقیه بودن‌شان خبر نداشته‌اند و راضی‌تر بوده‌اند. نیاز به فرق داشتن با بقیه به افراد کمک می‌کند احساس مفیدتر بودن داشته باشند و در این میان یادگیری زبان سوم یک تمایزکننده است.

منم چه می‌گیرم؟

فارسی حرف می‌زد که اصلاً نباید این کار را می‌کرد. خلاصه فرانسه را ول کردم و بی‌خیالش شدم. حدود دو سال بعد یک موسسه خوب پیدا کردم با اسنادی که از آشنایانم بود و آنجا تدریس می‌کرد. رقتم و دوباره از ابتدا شروع کردم. این بار خیلی برایم فرق داشت. مثل دوره قبلی‌ام نبود. از استاد جدیدم هم چیز یاد می‌گرفتم هم اینکه کلی انگیزه و انرژی به ما می‌داد. خوب پیشرفت کردم و الان همچنان دارم ادامه می‌دهم. بیشتر رقتم و آشنایی‌های من با فرانسه، فکر می‌کنم دلیل اینکه اول کار توی ذوقم خورد، همان استادم بود که به کارش وارد نبود. و چون من تازه این زبان را شروع کرده بودم، ترس برم داشت و فکر کردم فرانسه چقدر زبان وحشتناکی است. اما این طور نبود. استاد و موسسه خوب خیلی مهم است. علاقه من به ایتالیایی خواندن از دوران راهنمایی شروع شد. پدرم برایم چند تا کتاب و نوار آموزش زبان فرانسه گرفت و من خودم توی خانه زبان می‌خواندم. بدون استاد سخت بود و فقط می‌توانستم لغت یاد بگیرم. تا اینکه کنکور دادم و رشته زبان ایتالیایی قبول شدم؛ همان چیزی که خودم می‌خواستم. چهار سال این زبان را خواندم و خیلی هم با علاقه خواندم. اما خب توی کشور ما خیلی بازار کار ندارد. در کنارش زبان فرانسه هم خواندم. هم چند واحدی توی دانشگاه فرانسه داشتم و هم اینکه بیرون کلاس رقتم. بعد از فارغ‌التحصیلی‌ام ازدواج کردم و مجبور شدم به روسیه مهاجرت کنم. در روسیه هم یک سال زبان خواندم و الان دانشجو هستم. به هر زبانی که فکر کنید یک ناخنکی زده‌ام! اما زبان انگلیسی‌ام ضعیف است و از این بابت مشکل دارم. هر چه باشد زبان بین‌المللی است و دانستن‌اش لازم.

فصل اول پیک پیکه دکتر امان‌الله قزایی مقدم چرا نیاز به دیده شدن داریم حس متفاوت بودن

نیاز به دیده شدن و حس متفاوت بودن، در طول تاریخ در افراد بشر و در جوامع مختلف وجود داشته است. هر طبقه‌ای سعی می‌کرده ظاهری برای خود درست کند و رفتاری از خود بروز دهد که با دیگران متفاوت باشد، به ویژه طبقه اشراف. طبقه اشرافی می‌کوشید با ظاهرش نشان دهد با همه طبقات و اقشار دیگر متفاوت است. برای مثال زنان طبقه اشراف در ژاپن، ابروها را می‌تراشیدند و به شکل عمودی برای خود ابرو می‌کشیدند، ۲۰ ردا روی هم می‌پوشیدند و بر سر آستین ردا، زنگوله آویزان می‌کردند. طبقه اشرافی در ایران دوره ساسانی یا مصر باستان هم آرایش‌های ویژه خود را داشتند. این پوشش و اادا و اطوارهای طبقه اشراف در همه دوران‌ها به این هدف انجام می‌شده تا به طبقات پایین‌تر ثابت شود که شما از طبقه اشراف نیستید. برای طبقه عوام اما وضع فرق می‌کند. هر چقدر که افراد طبقات بالا به فرهنگ خودشان می‌نازند و سعی می‌کنند به هر نحوی تعلق خود را به طبقه‌شان نشان بدهند، کسی که از طبقه عوام می‌آید، به طبقه خودش افتخاری نمی‌کند و چیزی برای فخر فروختن ندارد. در جامعه‌ای مثل جامعه ما که فاصله بین طبقات به طور واضح و آشکار مشخص نیست و اکثر افراد متعلق به طبقه متوسط هستند، فردی که نیاز به دیده شدن دارد، تلاش می‌کند با تقلید یک رفتار یا ساختن یک ظاهر خاص، نیازش به دیده شدن را ارضا کند و بگوید من مثل همه نیستم، منشاء این نیاز، جامعه است. به همین دلیل است که در هر جامعه، افراد به گونه‌ای خاص خود را متفاوت از دیگران جلوه می‌دهند. البته نمی‌شود این نیاز را تنها براساس تعلق به طبقه متوسط یا بالا تفسیر کرد. داشتن این نیاز و حس متفاوت بودن به تربیت و زمینه اجتماعی‌ای که فرد در آن رشد کرده، برمی‌گردد. مفهومی که در اینجا باید به آن اشاره کنم، مفهوم «صالت» است. اینکه فرد از تربیتی اصیل برخوردار باشد و خودش هم این اصالت را در رفتار و کردارش نشان بدهد، مهم‌تر از این است که او به چه پایگاه اجتماعی تعلق دارد و از چه طبقه‌ای می‌آید. گاهی این رفتارهایی که حاکی از نیاز فرد به دیده شدن است، همان طور که اشاره شد، متعلق به افراد طبقه بالاست. بنابراین تربیت و زمینه‌های تربیتی از طبقه مهم‌تر است. این زمینه‌های تربیتی شامل نوع رفتار و میزان تربیت پدر و مادر، اصالت خانوادگی، محل زندگی فرد و باورهای مذهبی موجود در خانواده فرد می‌شود.

این خاص جلوه کردن و «حس متفاوت بودن» به گونه‌های مختلفی در میان اقشار مختلف جلوه می‌کند. برای مثال، گاهی دانستن یک زبان خارجی یا حتی تظاهر به دانستن یک زبان، برای فرد احساس خاص بودن و تفاوت داشتن به وجود می‌آورد. این واقعیت در دوران گذشته تاریخ ما هم وجود داشته است مثلاً بعد از ورود اسلام به ایران که موجب نفوذ فرهنگ اسلامی و عربی به ایران شد، بسیاری از دانشمندان آثار خود را به زبان عربی تالیف کردند. در آن روزها «عربی‌مایی» مد شده بود و گاهی مایه فخر افراد بود. تکلم به زبان عربی و گاهی فارسی مخلوط با عربی صورت می‌گرفت و تکلف و دشواری در سخن گفتن، مایه برتری افراد به شمار می‌آمد. این رفتار که گاهی به شکل «تفاخر به دانستن یک زبان» و خارج شدن زبان‌آموزی از کارکرد خودش دیده می‌شود، دلایلش می‌تواند این باشد که فرد به فرهنگ و زبان خودش آنقدر که باید، متفخر نیست و زبان دیگر را برتر از زبان مادری خودش می‌داند. این تعلق خاطر به فرهنگ دیگری و زبان دیگری، از همان «نیاز به متفاوت» بودن می‌آید. نمی‌شود همه روی آوردن افراد به یادگیری یک زبان را تنها به همین دلیل نسبت داد. به هر حال یادگیری زبان کلّی باید گفت هر رفتاری که از شکل عادی خودش خارج شود، توسط افرادی تقلید شود و به صورت مد درآمده، تقلید آن حالت تصنعی و شعاری به خود بگیرد، حاکی از نیاز فرد به متفاوت بودن و دیده شدن است. مثال این امر هم غیر از زبان‌آموزی، شیوه لباس پوشیدن است. لباس پوشیدن به خودی خود و در حالت عادی، یک هنجار تلقی می‌شود که توسط همه افراد جامعه هم پذیرفته شده و انجام می‌شود. اما گاهی لباس پوشیدن و آراستن ظاهر، کارکرد اصلی خودش را رازن فرد از دست می‌دهد و وسیله‌ای می‌شود برای جلب نظر دیگران. آن لباس فقط برای پوشیدن نیست بدن، پوشیده نشده بلکه وسیله‌ای است که فرد با آن شعار متفاوت بودن می‌دهد.

دکتر یعقوب موسوی تازگی و تنوع؛ نیاز جوانان

از جمله پدیده‌های زنده دوران معاصر به ویژه در سطح جوانان تمایل به استفاده و اشتغال به امور و وضعیتی است که از تازگی و تنوع فراوان حکایت دارد. دنیای کنونی به دلایل مربوط به نوع تغییر و دگرگونی با داشتن شرایط فزونی خلق و ایجاد امکان‌های جدید شرایط ورود به عرصه‌های نو را سرعت بخشیده است. گذشته از ترکیب‌های اجتماعی مزاید در حوزه هنر، فن و دانش و فرهنگ ماهیت و ویژگی‌های روانی و نفسانی انسان نیز تمایل به تجربه و تمرین در عرصه‌های جدید را تشدید می‌کند. ملاحظه کلی آنجسه در چند دهه اخیر در جامعه‌ای جوان و تغییرطلب در جهان از جمله در ایران صورت می‌گیرد حکایت از پویایی اجتماعی دارد که در آن جست‌وجو برای رشد و توسعه، فراغت و سرگرمی، تنوع و ابداع و سرانجام بهره‌وری و کامیابی خود را در قالب‌ها و اشکال مختلف بروز می‌دهد. راستی این سوال هیچ‌گاه برای ما مطرح نیست که چرا فضای مجازی و استفاده از دنیای دیجیتال با این همه استقبال در سطوح مختلف اجتماعی رویه‌رو بوده است؟ یا اینکه چرا و به چه دلیل بازی‌های ورزشی و مهم‌تر از همه فوتبال تنها در عرصه رقابت‌های داخل زمین بلکه به عرصه مهم رقابت‌های حتی سیاسی و اقتصادی تبدیل شده است؟ چرا استفاده از تنوع پوشش و پوشاک، توجه به زیبایی بصری و فیزیکی، استفاده از موسیقی و هنر و حتی موج تمایل به استفاده از نمادها و نشانه‌های دین‌باورانه و خداگونه در اشکال گوناگون بیش از هر زمان در دوران جدید بیشتر مورد اقبال است؟ یک دلیل آن به خاطر ظهور و رشد انواع مختلف رویکردها و رفتارهایی است که گذشته از همه حرف و حدیث‌ها دارای بار معنایی است. پاسخ به این دست از سوالات گذشته از جنبه هستی‌شناختی و انسان‌شناختی دارای سویه‌های روشن جامعه‌شناختی است. و آن تنیدگی شرایط و امکان‌ها در دوران جدید و به تعبیر جامعه‌شناسانی همچون گیدنز و بوردیو برارشته شدن مرزها و فضاهای جغرافیایی به سود بازتولید شرایط خلق قلمروها و حوزه‌های جدید از هنرورزی، تولید فرهنگی، معنی‌یابی در زندگی، عشق به حیات و سرانجام تجربه و زیست عصری است. در امتداد بررسی چنین شرایطی است که می‌توان از ناپیدایی چشم‌انداز فرادهایی سخن گفت که هر لحظه و زمان آن گرفتار تجربه و بازتجربه وضعیت جدیدی است که در آن الکترون‌ها در کنار لحظه به لحظه احساس‌های آنی بشری نقش آفرینی می‌کنند. طبیعت با همه دروندادهای زیبا و زشت خود نمایشگاه عرضه غرفه‌های هنری و فنی انسان می‌شود و جامعه‌ها با همه ماهیت محافظه‌کارانه خود به محل بروز سلیقه‌ها و گرایش‌های مختلف تبدیل می‌شوند.

و انسان خدایی ظرفیتی برای تاسی گرفتن از خدا برای به فعل در آوردن تمامی امکان‌هایی که او در بشر به ودیعه گذاشته است، پیدا می‌کند. از دو حالت خارج نیست. عده‌ای ممکن است در برابر مدیریت چنین تنوع و تعددی دچار اشتگی و سرگردانی شوند و پایان هستی اجتماعی را با تکتک و تنوع و نامعنایی توسل به عرصه‌های جدید اعلام کنند و در برابر عده‌ای دیگر جلوه‌های جدید از زیبایی در خلقت بشری و گوناگونی رنگ و نماد و معنی را عین جواندگی انسان و امکان‌های حیات انسانی معنی کنند. همه چیز تابع تلقی و تفسیر ما از حیات انسانی و ماهیت به شدت تغییرپذیر اجتماعی است. مهم آمادگی برای پذیرش عرصه‌های نو، اتصال هستی‌شناختی آن به خلقت، باور به توانایی‌های فوق‌العاده بشری و مهم‌تر از همه تدبیر و مدیریت در قبال این دست از رویش‌هاست. در غیر این صورت ممکن است نوستالژی بازگشت به یک محیط آرام و یکدست از نوعی که از اسطوره‌های دیروزی لایه‌ای‌های شیرین کودکان‌مان برجای مانده‌اند همچنان دل‌آزار زندگی امروز ما باشد.

*****جامعه‌شناس**